

مفهوم شناسی تطبیقی-تحلیلی «رسول» و «نبی» در لغت و روایات

اهل بیت (علیهم السلام)

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۴

محمدعلی مروّجی طبسی؛ دانشجوی دکتری قرآن و حدیث، گرایش فلسفه تفسیر، پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

علی قورچیان؛ دانش‌آموخته سطح دو حوزه علمیه تهران، رشته تخصصی تفسیر

چکیده

«رسول» و «نبی» از واژگان کلیدی و پرسامد قرآن‌اند که در آیات کریمه گاه در کنار هم و گاه جداگانه به کار رفته‌اند. اینکه این دو واژه مترادف‌اند یا معنایی متفاوت دارند؟ دیدگاه‌های گوناگونی در میان مفسران مطرح شده است. از جمله آنها نظریه تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام است که با برخوردارگی از پشتوانه زبان‌شناختی و نگاه واقع‌گرایانه، معنای بدیع و متمایزی را درباره این دو واژه قرآنی ارائه نموده است. در تفسیر روایی اهل‌بیت علیهم السلام مفهوم «نبی» و «رسول» اخصّ از معنای لغوی و رابطه آن دو واژه، «عام» و «خاص» مطلق است. در نظریه تفسیری عترت، نبوت تقدّم رتبی بر رسالت و از جهت شرافت، بعد از جایگاه رسالت قرار دارد. ثمره تفسیری این نظریه آن است که واژه «نبی» در آیاتی که قرینه‌ای بر مأموریت پیام رسانی وی ذکر نشده، متفاوت با «رسول» معنا می‌شود. پژوهش لغوی و نسبت‌سنجی «رسول» و «نبی» پیش‌نیاز فهم دیدگاه تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام درباره این دو واژه است که این نوشتار به واکاوی آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: رسول، نبی، مفردات، عترت، تفسیر.

طرح مسأله

واژه «رسول» («رُسُل» با فراوانی ۳۲۶ بار) و «نبی» («انبیاء»، «نبیون» و «نبیین» با فراوانی ۷۵ بار) از «کلمات یا اصطلاحات کلیدی» پرسامد قرآن هستند که گفته می‌شود «نقشی واقعا قطعی در ساختن جهان‌بینی تصویری قرآن دارند» (ایزوتسو، ۱۳۹۳: ۲۲). این دو واژه در آیات کریمه، گاه در کنار هم: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ...﴾ (الأعراف: ۱۵۷)، ﴿...وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ (مریم: ۵۴)، ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى...﴾ (الحج: ۵۲) و در بسیاری موارد مانند: ﴿...إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا﴾ (مریم: ۵۶) و ﴿...هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا﴾ (الإسراء: ۹۳) مستقل از دیگری به کار رفته‌اند. پرسش اصلی این نوشتار این است که آیا «رسول» و «نبی» - که هر دو «پیامبر» یا «پیغمبر» ترجمه شده‌اند- در آیات قرآن، مترادف‌اند و در نتیجه «هر رسولی نبی» و «هر نبیی رسول» است؟ یا آنکه تفاوت معنایی دارند؟ و در این فرض، تفاوت آن دو چیست؟

این مسأله که پرسش جدی برخی مفسران، فقها و متکلمان^۱ در عصر «تابعان» و پس از ایشان بوده، دیدگاه‌های مختلفی درباره آن بیان شده است. برخی منکر هرگونه تفاوت بوده و برخی دیگر به اثبات و بیان ظرافت معنایی واژه «رسول» و «نبی» پرداخته‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۳/۲۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۹/۱۶۵، ۷/۷۵) در این میان اهل بیت علیهم السلام که داناترین افراد به همه معانی و معارف قرآن اعم از ظاهر و باطن آن هستند، (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۲۲۸-۲۲۹) دیدگاه نوینی را در تفسیر این دو واژه ارائه کرده‌اند. ویژگی ممتاز این دیدگاه تفسیری آن است که با حفظ رابطه معناشناختی با لفظ «رسول» و «نبی»، افق‌های تازه‌ای را درباره خصوصیات مصادیق این دو واژه، گشوده است. بدیهی است معناشناسی صحیح واژگان قرآن، نخستین گام در راه تفسیر آیات قرآن است که بهره‌گیری از روایات تفسیری اهل بیت

علیهم السلام، ما را به فهم درست واژگان قرآن، رهنمون می‌کند. این پژوهش می‌کوشد با مفهوم‌شناسی تطبیقی-تحلیلی واژگان «رسول» و «نبی» در لغت و روایات عترت علیهم السلام، دیدگاه تفسیری اهل بیت علیهم السلام در حوزه «واژه‌پژوهی» آیات قرآن را ارائه نموده، مورد توجه ویژه قرار دهد.

۱. اصل عدم ترادف

گرچه مبنای این نوشتار انکار ترادف نیست؛ اما از آنجا که قاعده کلی در هر زبان این است که در ازاء معنای واحد، لفظ واحدی قرار بگیرد؛ چون هدف فهماندن است و هنگامی که مقصود با یک لفظ حاصل شود، دیگر نیازی به لفظ بیشتر نخواهد بود؛ لذا ترادف، خلاف اصل است و چنانچه لفظی، ترادف و تباین معنایی‌اش هر دو محتمل باشد، طبق اصل، حمل بر معنای متباین آن، اولویت دارد. (زرکشی، ۱۴۲۱ق: ۴۷۶-۴۷۷؛ سیوطی، ۱۳۲۵: ۲۴۱/۱؛ رمضان عبدالنواب، ۱۳۶۷ش: ۳۴۹) توجه به این قاعده، در واژه‌پژوهی آیات قرآن خصوصا الفاظ «قرب المعنا»ی آن، ضروری است. زرکشی می‌گوید: «مفسر باید به کاربردها توجه نماید و تاحداً امکان قطع بر عدم ترادف داشته باشد.» زرکشی، ۱۳۷۶ق: ۷۸/۴) این اصل خود را در سیاق ترکیبی واژگان، بیشتر می‌نمایاند.

۲. نسبت «رسول» و «نبی» از دیدگاه مفسران سنی

در تفاسیر سنی عبارات و دیدگاه‌های مختلفی درباره نسبت واژه «رسول» و «نبی» بیان شده است. معتزله این دو واژه را مترادف دانسته‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۳۶/۲۳) بسیاری دیگر نیز آن دو را متفاوت دانسته؛ ولی در تبیین تفاوت دچار اختلاف شده‌اند:

۱. زمخشری ذیل آیه ۵۱ سوره مریم می‌نویسد: «رسول شخصی از انبیاء است که دارای کتاب است و نبی کسی است که از خداوند (عزوجل) خبر می‌دهد گرچه دارای کتاب نباشد، مانند یوشع». (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲/۳) همچنین او ذیل آیه ۵۲ سوره حجّ می‌نویسد: «رسول علاوه بر معجزه، صاحب کتاب است؛ اما نبی صاحب کتاب نیست و فقط مأمور است مردم را به شریعت پیش از خود، دعوت کند». (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۶۴/۳)

۲. بیضاوی تعبیر دیگری دارد. به گفته او «رسول» کسی است که مبعوث به شریعتی جدید شده، مردم را به آن دعوت می‌کند؛ ولی «نبی» اعم از او و از کسی است که دیگران را به شریعت پیشین دعوت می‌کند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۷۵/۴) وی در تفسیر ﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ اِنَّهُ كَانَ مُمْخَلَصًا وَّ كَانَ رَسُوْلًا نَبِيًّا﴾ (مریم: ۵۱) می‌گوید: «موسی رسول بود زیرا) خداوند او را به سوی مردم فرستاد سپس (چون نبی بود) مردم را از خداوند باخبر کرد و برای همین (که اوّل فرستاده شده سپس مردم را از خدا باخبر کرد) رسول مقدّم [بر نبی] ذکر شده با اینکه رسول خالص‌تر و والاتر (از نبی) است». (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۳/۴) از کلام او فهمیده می‌شود که رسول مقامی والاتر از نبی دارد.

۳. برخی دیگر «رسول» را دارای معجزه، کتاب و نسخ شریعت پیشین دانسته و درباره «نبی» گفته‌اند: او جامع همه این امور نیست. فخر رازی در نقد این دیدگاه می‌گوید: «لازمه این قول آن است که إسحاق و یعقوب و ایوب و یونس و هارون و داود و سلیمان (علیهم السلام) رسول نباشند؛ زیرا «کتاب ناسخ» نداشته‌اند.» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۳۶/۲۳)

۴. از دیدگاه فخر رازی، «رسول» کسی است که فرشته وحی بر او آشکار می‌شود و او را مأمور دعوت خلق می‌کند؛ ولی «نبی» رسالتش را در «خواب» می‌بیند یا اینکه

کسی از رسولان به او رسالتش را خبر می‌دهد. (همان) پیشتر شبیه به این دیدگاه را ثعلبی (م ۴۲۷ق) نیز مطرح کرده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۳۰/۷)

۵. به گفته آلوسی، نظر مشهور مفسران این است که «نبی» در عرف شرع اعم از «رسول» است؛ زیرا «نبی» کسی است که به او وحی می‌شود خواه مأمور به تبلیغ باشد یا نباشد؛ ولی «رسول» کسی است که به او وحی و مأمور به تبلیغ شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۶۵/۹)

۶. ابن عاشور در تبیین نظر مشهور می‌گوید: «نبی» حامل خبر مهمی از طریق وحی است. اگر مأمور به تبلیغ نباشد، فقط «نبی» است نه «رسول» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۵۴/۱۶) همو در بیانی متفاوت می‌گوید: «رسول» مردی است مبعوث از طرف خداوند به سوی مردم همراه با شریعت؛ ولی «نبی» کسی است که خداوند به او وحی کرده تا به ارشاد و اصلاح امور مردم طبق شریعت پیشین بپردازد. پس نبی اعم از رسول است.» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۲۱۵/۱۷)

نقد و بررسی

فقدان دلیل و مستند، عمده اشکال دیدگاه‌های مطرح شده است. محدود کردن «رسول» به «کسی که صاحب شریعت یا کتاب بوده» با تصریح قرآن به رسالت پیامبرانی چون: اسماعیل، اسحاق، یعقوب در آیات ﴿...وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ...﴾ و ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ...﴾ (النساء: ۱۶۳ و ۱۶۵) که صاحب کتاب نبوده‌اند، سازگار نیست. علامه طباطبائی می‌نویسد: «و اما سایر حرفه‌هایی که در فرق میان نبی و رسول زده‌اند مثل اینکه «رسول کسی است که مبعوث به شرعی جدید شده باشد و نبی اعم از او و از کسی است که شرع سابق را تبلیغ کند» صحیح

نیست؛ زیرا ما در مباحث نبوت اثبات کردیم که شرایع الهی بیش از پنج شریعت یعنی نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله نیست با اینکه قرآن تصریح کرده به رسالت عده بسیاری از پیغمبران. علاوه بر اینکه هیچ دلیلی بر این فرق در دست نیست» (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ۱۴/۵۵۳-۵۵۴)

همچنین «مأمور بودن نبی به اصلاح و ارشاد و دعوت مردم به شریعت پیشین» با معنای لغوی «رسول» تناسب و سنخیت بیشتری دارد تا معنای «نبی».

۳. دیدگاه تفسیری اهل بیت علیهم السلام درباره رابطه «رسول» و «نبی»

مفاد صریح احادیث منقول از اهل بیت (امامان: باقر، صادق، رضا علیهم السلام) با اسانید متعدد، بیان تفاوت واژه «نبی» و «رسول» در آیات قرآن است. گونه‌های متنی این روایات عبارتست از:

۱. «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ مَا الرَّسُولُ وَمَا النَّبِيُّ قَالَ النَّبِيُّ الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ وَيَسْمَعُ الصَّوْتَ وَلَا يُعَايِنُ الْمَلِكَ وَالرَّسُولُ الَّذِي يَسْمَعُ الصَّوْتَ وَيَرَى فِي الْمَنَامِ وَيُعَايِنُ الْمَلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۶/۱) «زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درباره معنای سخن خداوند عز و جل که می‌فرماید: ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ (مریم: ۵۱) پرسیدم: معنای رسول و نبی چیست؟ فرمود: نبی کسی است که (فرشته وحی را) در خواب می‌بیند و صدایش را می‌شنود؛ ولی او را در بیداری مشاهده نمی‌کند؛ اما رسول کسی است که صدای فرشته را می‌شنود و او را هم در خواب و هم در بیداری می‌بیند.» این روایت دلالت می‌کند که میان رسول و نبی تفاوت وجود دارد و ویژگی نبی دیدن فرشته در خواب و شنیدن صدایش و عدم مشاهده فرشته در بیداری است و ویژگی رسول علاوه بر این خصوصیات، مشاهده فرشته در بیداری است. همچنانکه علامه طباطبایی

می نویسد: «و فرق آن دو بطوری که از روایات ائمه اهل بیت ع بر می آید این است که نبی کسی است که در خواب واسطه وحی را می بیند و وحی را میگیرد، ولی رسول کسی است که فرشته حامل وحی را در بیداری می بیند و با او صحبت می کند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۲۰/۱)

۲. «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ عَلِمْنَا الرَّسُولَ وَمَنْ النَّبِيُّ فَقَالَ النَّبِيُّ هُوَ الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ وَيَسْمَعُ الصَّوْتَ وَلَا يُعَايِنُ الْمَلِكَ وَالرَّسُولُ يُعَايِنُ الْمَلِكَ وَيُكَلِّمُهُ» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۲۸) «زراره می گوید از امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ (مریم: ۵۱) پرسیدم که رسول را دانستیم اما نبی کیست؟ فرمود: نبی کسی است که فرشته وحی را در خواب [رویا] و نه بیداری، می بیند و صدایش را می شنود اما رسول کسی است که فرشته وحی را [در بیداری] می بیند و با او سخن می گوید.» مضمون این روایت مشابه روایت اول است و اضافه می کند که رسول با فرشته سخن می گوید.

۳. «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ مِنَ الرَّسُولِ مِنَ النَّبِيِّ قَالَ هُوَ الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ وَيُعَايِنُ الْمَلِكَ قُلْتُ فَيَكُونُ نَبِيًّا غَيْرَ رَسُولٍ قَالَ نَعَمْ هُوَ الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ وَيَسْمَعُ الصَّوْتَ وَلَا يُعَايِنُ» (صفار، ۱۴۰۴: ۳۷۰) «زراره در روایتی می گوید از امام باقر علیه السلام در رابطه با آیه ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ (مریم: ۵۱) پرسیدم که رسول کیست و نبی کیست؟ حضرت فرمود: رسول کسی است که فرشته را هم در خواب و هم در بیداری مشاهده می کند. گفتم: پس ممکن است «نبی»، «رسول» نباشد؟ فرمود: بله «نبی» کسی است که در خواب می بیند و صدای [فرشته] را می شنود و در بیداری (فرشته را) مشاهده نمی کند.» در این روایت از معنای مصداقی «رسول» و «نبی» سؤال شده (مَنْ الرَّسُولُ مَنْ النَّبِيُّ) و امام باقر علیه السلام ضمن تأیید این سخن زراره که «ممکن است

شخصی نبیّ باشد؛ ولی رسول نباشد» به نسبت سنجی واژه «نبی» و «رسول» بر حسب مصداق پرداخته‌اند.

۴. «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [عَلَيْهِ السَّلَام] قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّسُولِ فَقَالَ الرَّسُولُ الَّذِي يُعَايِنُ مُلْكًا يُجِيئُهُ بِرِسَالَةٍ عَنْ رَبِّهِ فَيُكَلِّمُهُ كَمَا يُكَلِّمُ أَحَدَكُمْ صَاحِبَهُ وَ النَّبِيُّ لَا يُعَايِنُ مُلْكًا إِنَّمَا يَنْزِلُ عَلَيْهِ الْوَحْيُ وَ يَرَى فِي مَنَامِهِ قُلْتُ مَا عَلَّمُهُ إِذَا رَأَى فِي مَنَامِهِ أَنَّ هَذَا حَقٌّ قَالَ يُبَيِّنُهُ اللَّهُ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ حَقٌّ» (صَفَّار، ۱۴۰۴: ۳۷۰) «زراره می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره «رسول» پرسیدم. در پاسخ فرمود: رسول کسی است که فرشته را مشاهده می‌کند. (آن فرشته) رسالتی را از پروردگارش برایش می‌آورد و با او سخن می‌گوید همانگونه که یکی از شما با دوستان سخن می‌گویید؛ ولی نبیّ فرشته را مشاهده نمی‌کند و فقط وحی بر او نازل می‌شود و (فرشته را) در خواب می‌بیند. پرسیدم از کجا می‌فهمد آنچه در خواب دیده درست است؟ حضرت فرمود خدا برایش معلوم می‌کند تا بداند درست است.» در این روایت خصوصیات رسول و نبیّ بیان و مقایسه شده است. رسول کسی است که مَلَك را که حامل رسالت و پیامی ویژه از پروردگار برای اوست، می‌بیند و با او سخن می‌گوید؛ اما «نبیّ» فقط بر او وحی می‌شود و مَلَك را در خواب و نه بیداری، می‌بیند. پس رسول مأموریت ابلاغ پیامی خاص را دارد که نبیّ آن را دارا نیست.

۵. «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ [عَلَيْهِ السَّلَام] عَنِ الرَّسُولِ وَ عَنِ النَّبِيِّ... فَقَالَ الرَّسُولُ الَّذِي يُعَايِنُ الْمَلِكَ يَأْتِيهِ بِالرِّسَالَةِ مِنْ رَبِّهِ يَقُولُ يَا مُرْكُ كَذَا وَ كَذَا وَ الرَّسُولُ يَكُونُ نَبِيًّا مَعَ الرِّسَالَةِ وَ النَّبِيُّ لَا يُعَايِنُ الْمَلِكَ يَنْزِلُ عَلَيْهِ النَّبَأُ عَلَى قَلْبِهِ فَيَكُونُ كَالْمُعْمَى عَلَيْهِ فَيَرَى فِي مَنَامِهِ» (صَفَّار، ۱۴۰۴: ۳۷۱) «زراره می‌گوید از امام صادق علیه السلام پیرامون رسول و نبیّ پرسیدم. آن حضرت فرمود: رسول کسی است که فرشته‌ای را که رسالتی از جانب پروردگار برایش آورده، می‌بیند و (آن فرشته) می‌گوید: خداوند به تو فرمان

می‌دهد که چنین و چنان کن؛ و «رسول» نبی است دارای رسالت (و مأموریت پیام-رسانی) ولی «نبی» فرشته را (در بیداری) مشاهده نمی‌کند، بلکه (آنگاه که) خبر مهم بر قلبش نازل می‌شود، مانند شخص بیهوش می‌گردد و (فرشته را) در خواب می‌بیند. با توجه به متن حدیث، هر رسولی نبی است. همچنین «رسول» بار رسالت یا مأموریت پیام‌رسانی هم دارد. پس رسول اخص از نبی است.

۶. «عَنْ بُرَيْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [عَلَيْهِمَا السَّلَام] فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ ... قَالَ الرَّسُولُ الَّذِي يَظْهَرُ لَهُ الْمَلَكُ فَيُكَلِّمُهُ وَ النَّبِيُّ هُوَ الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ وَ رَبَّمَا اجْتَمَعَتِ النَّبِيُّ وَ الرَّسَالَةُ لِوَأَحَدٍ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۷/۱) «برید بن معاویه از امام باقر و صادق علیهما السلام درباره (رسول و نبی در) این سخن خداوند: وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ پرسیدیم... فرمود: رسول کسی است که ملک برایش آشکار می‌شود و با او سخن می‌گوید؛ اما «نبی» کسی است که ملک را در خواب می‌بیند و ممکن است نبوت و رسالت در یک نفر جمع شود» در این روایت ضمن مقایسه معنای مصداقی «رسول» و «نبی»، به این نکته که ممکن است یک شخص، هم «رسول» باشد هم «نبی»، تصریح شده است.

۷. «عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ كَتَبَ الْحَسَنُ بْنُ الْعَبَّاسِ الْمَعْرُوفِيُّ إِلَى الرَّضَا [عَلَيْهِ السَّلَام] جَعَلْتُ فِدَاكَ أَخْبَرَنِي مَا الْفَرْقُ بَيْنَ الرَّسُولِ وَ النَّبِيِّ... قَالَ فَكَتَبَ أَوْ قَالَ الْفَرْقُ بَيْنَ الرَّسُولِ وَ النَّبِيِّ... أَنَّ الرَّسُولَ الَّذِي يُنَزَّلُ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ فَيُرَاهُ وَ يَسْمَعُ كَلَامَهُ وَ يُنَزَّلُ عَلَيْهِ الْوَحْيُ وَ رَبَّمَا رَأَى فِي مَنَامِهِ نَحْوَ رُؤْيَا إِبْرَاهِيمَ وَ النَّبِيُّ رَبَّمَا سَمِعَ الْكَلَامَ وَ رَبَّمَا رَأَى الشَّخْصَ وَ لَمْ يَسْمَعْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۶/۱) «اسماعیل بن مرّار (اسماعیل بن مهران) می‌گوید: حسن-بن‌عبّاس معروفی به امام رضا علیه السلام نوشت: فدایت شوم فرق بین رسول و نبی در چیست؟ امام مرقوم نمودند: رسول کسی است که جبرئیل بر او نازل می‌شود، پس (رسول) او را می‌بیند و سخنش را می‌شنود و وحی بر او نازل می‌شود و چه بسا در

خواب [مأموریت خویش را] ببیند مانند رؤیای ابراهیم علیه السلام (درباره ذبح پسرش اسماعیل علیه السلام) و نبیّ چه بسا سخن را بشنود و چه بسا شخصی را ببیند ولی صدایش را نشنود. مفاد این روایت آنگونه که برخی شارحان حدیث گفته‌اند، آن است که دیدن فرشته (در بیداری) و شنیدن صدای او باهم برای «نبیّ» محقق نمی‌شود. در حالی که «رسول» اینگونه نیست. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۴/۲؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۲۸۸/۲)

از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام درباره واژگان قرآنی «رسول» و «نبیّ» این نکات برداشت می‌شود:

- ۱) این دو واژه متفاوت‌اند نه مترادف.
- ۲) تفاوت «رسول» و «نبیّ» در حوزه خصوصیات مصادیق آن دو است.
- ۳) هر «رسولی» نبیّ است؛ ولی هر «نبیّی» رسول نیست.
- ۴) تفاوت مطرح شده، مرتبط با معنای لغوی این دو واژه است.
- ۵) پیغامبر یا پیغمبر با مفهوم روایی «رسول» متناسب است نه «نبیّ»^۲.

۴. برتری «رسول» بر «نبیّ» در روایات اهل بیت علیهم السلام

به نظر می‌رسد دیدگاه تفسیری اهل بیت علیهم السلام در بیان تفاوت «رسول» و «نبیّ» مبتنی بر وجود اختلاف رتبه و درجه میان این دو، در عالم واقع است. طبق روایات اهل بیت علیهم السلام «رسول» افضل از «نبیّ» و جایگاه «رسالت» والاتر از مقام «نبوت» است. به این بیان که هرکسی «رسول» است، پیشتر «نبیّ» بوده و بعد از ارتقاء درجه، به مقام «رسالت» نایل شده است. در روایتی از زید شحام از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «...إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا وَ إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ نَبِيًّا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا وَ إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا وَ إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَامًا فَلَمَّا جَمَعَ لَهُ الْأَشْيَاءَ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ

لِلنَّاسِ إِمَامًا» (کلینی، ۱: ۱۴۰۷/۱۷۵ و ۳۸۲) «خداوند متعال ابراهیم علیه السلام را عبد خود قرارداد قبل از اینکه او را نبی قرار دهد و خداوند او را نبی قرارداد قبل از اینکه رسول قرار دهد و خداوند او را رسول قرارداد قبل از اینکه او را خلیل قرار دهد و خداوند او را خلیل قرارداد قبل از اینکه او را امام قرار دهد پس زمانی که تمام این اشیاء [درجات] را برای او جمع کرد، فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ (بقره: ۱۲۴) (من تو را امام برای مردم قرار می‌دهم).» در این حدیث خصلتها، مکارم و خصوصیات که هر یک دارای مرتبه و جایگاه خاصی هستند، برای حضرت ابراهیم علیه السلام برشمرده شده است. مفاد روایت این است که ایشان پیش از نبوت مقام عبودیت خداوند را داشته و سپس به مقام نبوت رسیده‌اند. پس از آن، خداوند آن حضرت را رسول و در جایگاه رسالت منصوب کرده و در مرحله بعد، او را خلیل و سپس در جایگاه امامت قرار داده است. این روایت ظهور در مراحل تکاملی درجه انبیاء و اختلاف مراتب و جایگاه نبوت، رسالت و امامت دارد. جایگاه رسالت برتر از نبوت و مقام امامت والاتر از جایگاه رسالت است. فیض کاشانی ذیل این حدیث می‌گوید: «نبوت حاصل نمی‌شود مگر پس از عبودیت خداوند و رسالت ممکن نیست مگر بعد از نبوت و رسیدن به مقام خلت ممکن نیست مگر پس از نیل به مقام رسالت و مقام امامت به کسی داده نمی‌شود، مگر اینکه به مقام خلت (خلیل اللّهی) رسیده باشد.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲/ ۶۹) همچنین ملا محمد صالح مازندرانی می‌گوید: «قبل بودن عبودیت نسبت به نبوت و نیز قبل بودن نبوت نسبت به رسالت، ظهور در این معنا دارد که درجه رسالت رفیع‌تر و والاتر از نبوت است.» (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۵/ ۱۳۷)

۵. نسبت‌سنجی مفهوم لغوی «رسول» و «نبی» با دیدگاه تفسیری اهل‌بیت علیهم

السلام

فرضیه این نوشتار آن است که دیدگاه تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام درباره واژگان قرآنی «رسول» و «نبی»، رابطه معناشناختی با مفهوم لغوی این دو واژه دارد. آن گونه که گذشت، در روایات اهل‌بیت علیهم السلام مطابق با اصل «عدم ترادف»، واژگان «رسول» و «نبی» متفاوت تفسیر شده‌اند و ویژگی ممتاز تفسیر ایشان از این دو واژه، برخورداری از پشتوانه ادبی و زبان‌شناختی است. اهل‌بیت علیهم السلام گرچه به تبیین معنای لغوی «رسول» و «نبی» نپرداخته‌اند؛ ولی دیدگاه تفسیری ایشان رابطه نزدیکی با معنای لغوی آن دارد. برای اثبات این فرضیه ابتدا به واژه‌پژوهی «رسول» و «نبی» و نسبت‌سنجی این دو واژه با یکدیگر و سپس به بیان رابطه معناشناختی آن با دیدگاه تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام می‌پردازیم.

۵. ۱. واژه‌پژوهی «رسول» و «نبی»

«رسول»

«رسول» مشتق از ماده «رسل» و به گفته ابن فارس «در اصل به معنای برانگیخته شدن و امتداد یافتن است. کلمه الرُّسُل به معنای آسان و روان سیر نمودن است. به شتری که مفاصل آن نرم است و نیز راه رفتن آن، ساربانش را به زحمت نمی‌اندازد، ناقهٔ رَسَلَةٌ می‌گویند.» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۳۹۲) راغب نیز مادهٔ رسل را به آرام و آهسته برانگیخته شدن معنا کرده است. او درباره واژه رسول می‌گوید: «رسول به معنای برانگیخته شده است. گاهی از این واژه معنای رفیق، نرمش و همراهی نمودن تصور می‌شود. پس هنگامی که کسی را به نرمش و همراهی نمودن دستور دهی، گفته می‌شود «علی رسلک». گاهی هم از آن معنای برانگیخته شدن (تحریک شدن، به جنبش آمدن) تصور می‌شود. رسول هم به خود پیام... و هم به کسی که حامل پیام است،

گفته می‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۳ و ۳۵۲) البته با دقت در کاربردهای این واژه، «فرستاده بودن» رسول را نباید از نظر دور داشت. واژه «رسول» -بر وزن فَعول از صیغه مبالغه به معنای اسم مفعول (مُرسل) (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲ / ۴۸؛ صافی محمود، ۱۴۱۸: ۱۹/۳) - طبق قول ازهری اسم کسی است که او را فرستاده و روانه نموده‌اند. (ازهری، بی‌تا: ۲۷۲/۱۲) این معنا از کلمه مُرسل (ارسال شده) به خوبی فهمیده می‌شود. ازهری می‌گوید: «رسول کسی است که اخبار (پیام) شخص دیگری را که او را فرستاده، پشت سر هم تکرار می‌کند. این معنا برگرفته از این سخن عرب است که می‌گوید: شتران پشت سر هم و به دنبال هم آمدند.» (ازهری، بی‌تا: ۲۷۲/۱۲) پس رسول فرستاده دیگری و نیز حامل و تکرار کننده گفتار دیگری است و از این جهت که واسطه در رساندن پیام دیگری است، پیام‌آور و پیغام‌رسان است. وجه تسمیه رسول این است که او دارای پیام از جانب دیگری است» همچنین «الاستِرْسَال» به معنای انس و آرامش و اطمینان یافتن به سخن یک شخص است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۲۸۵-۲۸۱)

به گفته ابوهلال عسکری میان «إرسال» و «بعث» تفاوت معنایی وجود دارد. او می‌گوید: «ممکن است کسی را به سوی دیگری روانه کنی به خاطر رفع نیاز از آن کسی که فرستاده شده، بدون اینکه نیاز فرستنده یا آنکه فرستاده نزد او رفته، لحاظ شده باشد. مانند کودکی که او را به مکتب‌خانه می‌فرستند. در این حال می‌گویند: «بعثته الی المکتب» و دیگر «أرسلته» گفته نمی‌شود. زیرا کاربرد «إرسال» هنگامی است که فرستاده حامل پیام و مأمور رساندن آن باشد.» (ابوهلال عسکری، بی‌تا: ۲۸۳) در نتیجه «بعث» اعم از «ارسال» است. به این بیان که واژه «بعث» به معنای «ایجاد حرکت» و «گسیل داشتن» است. خواه به غرض رساندن پیام به دیگران باشد یا اینکه صرفاً «برانگیختن» و «تحریک نمودن» باشد. در حالی که «ارسال» اختصاص به «برانگیختن» شخص و «فرستادن» او برای «پیام رسانی» دارد.

با توجه به موارد کاربرد مشتقات رسل در کلام عرب، می‌توان به جمع‌بندی ذیل رسید: ۱. رسول فرستاده و برانگیخته از جانب شخص دیگر است. ۲. او پیام آور و پیام رسان از جانب دیگری و تکرار کننده سخن دیگری و واسطه در ابلاغ پیام دیگری است. وی از جانب دیگری مأمور است که پیامش را به افراد برساند. ۳. رسول فرستاده‌ای است که در پیام رسانی‌اش مورد اطمینان و اعتماد مردم است. ۴. با توجه به اینکه واژه رسول از صیغ مبالغه است، به کسی که به تعداد دفعات کم، پیام رسانی کرده، رسول گفته نمی‌شود. ۵. میان «رسول» و «مبعوث» تفاوت معنایی وجود دارد.

«نبی»

در مبدأ اشتقاق «نبی» دو دیدگاه است. برخی آن را مشتق از «نبو» به معنای «رفت» می‌دانند. «به پیامبر از آن جهت نبی می‌گویند؛ زیرا جایگاه او نسبت به سایر مردم رفیع و بلند است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۰) از نظر برخی دیگر، اصل «نبی»، «نبأ» به معنای «خبر» است؛ زیرا او «خبر دهنده» از خداوند سبحان است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۴/۱) شاید این دیدگاه را بتوان اینچنین تقویت کرد که در قرآن کریم هیچ فعلی از ماده «نبو» به کار نرفته است. در حالی که مشتقات فعلی «نبأ» بیش از ۵۰ مرتبه استعمال شده است. این کثرت استعمال در مشتقات نبأ می‌تواند منشأ انس ذهنی و ظهور معنایی باشد. یعنی انس ذهن با کاربرد فراوان مشتقات نبأ و نیز امکان اشتقاق نبی از نبأ موجب می‌شود که با شنیدن لفظ نبی معنای مشتق از «نبأ» از این واژه، متبادر به ذهن شود. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۲/۱، ۳۰۲/۱۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۵۵/۱، ۲۱۲/۲۰) به هر حال در معناشناسی واژه «نبی» هر دو دیدگاه را مورد نظر قرار می‌دهیم:

۱. «نبأ»

به گفته ابن فارس «نبأ» در اصل به معنای «آمدن از مکانی به مکانی دیگر است. به کسی که از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌آید نابی می‌گویند... به خبر هم «نبأ» گفته می‌شود؛ زیرا از مکانی به مکان دیگر می‌آید (و منتقل می‌شود)... کسی که نبی را مهموز خوانده برای این است که او از خداوند خبر می‌دهد.» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۵/۵) اما راغب بدون اشاره به اصل معنایی این ماده، می‌گوید: «نبأ خبری است دارای فائده بزرگ که به سبب آن علم یا ظن غالب حاصل می‌شود. به هیچ خبری نبأ نمی‌گویند مگر این که این سه ویژگی فائده بزرگ، علم آور و یا ظن آور بودن را داشته باشد. حق خبری که به آن نبأ گفته شود این است که از هر کذب عاری باشد، مانند خبر متواتر یا خبر خداوند یا خبر پیامبر (صلی الله علیه و آله)». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۸۹ و ۷۸۸) به نظر می‌رسد با توجه به کثرت کاربرد مشتقات «نبأ» و گزارش بسیاری از لغت‌شناسان، «خبر» معنایی متبادر و مانوس به ذهن از لفظ «النبأ» است. (خلیل بن احمد، بی تا: ۳۸۲/۸؛ ابن درید، بی تا: ۱۰۲۸/۲؛ ابن عباد، ۱۴۱۴: ۴۰۴/۱۰؛ ابن سیده، بی تا: ۴۸۶/۱۰) به هر حال از عبارت راغب فهمیده می‌شود که به هر خبری «نبأ» نمی‌گویند. بلکه نبأ خصوص خبری است که مهم و دارای شأن باشد در حالی که واژه خبر عام است و شامل اخبار مهم و غیر مهم می‌شود. همچنین زمخشری ذیل آیه ﴿فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطَّتْ بِمَا لَمْ تَحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ﴾ (نمل: ۲۲) در مورد نبأ می‌گوید: «الخبر الذی له شأن» نبأ خبری است که دارای اهمیت باشد.» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۰/۳)

خلاصه سخن این که اصل معنایی این ماده، آمدن از مکانی به مکان دیگر است؛ معنای مشترکی که در مشتقات مختلف این ماده دیده می‌شود؛ اما ظهور عرفی واژه «النبأ» که ناشی از کثرت استعمال آن است، خبر یا خبر مهم است. این معنا مرتبط با اصل معنایی «نبأ» است؛ زیرا خبر از مکانی به مکان دیگر می‌آید. همچنین اگر نبی

بر وزن فعیل) به معنای اسم فاعل باشد، به معنی «مُخْبِر» یا «مُنْبِئ» (خبردهنده) و اگر به معنای اسم مفعول باشد، به معنی «مُخْبَر» یا «مُنْبِئ» (خبرداده شده یا حامل خبر) خواهد بود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۸۹)

۲. «نبو»

ماده «نبو» در اصل به معنای بلندی شیء نسبت به اشیاء دیگر یا دور بودن آن شیء از اشیاء دیگر است. هنگامی که شمشیر از طبیعت خود (بُرش) دور و کُند می‌شود، می‌گویند: «نبا السیف عن الضریئه». «النَّبْوَةُ» و «النَّبُو» به معنای «ارتفاع»، «علو» و «بلندی» است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۵ و ۳۸۴) همچنین واژه «النَّبِیُّ» به معنای «زمین بلند، مُشرف و مرتفع» و «کوه بسیار بلند که علامت و راهنماست»، به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۲/۱۵ و ۳۰۱) به پیامبر «نَبِیٌّ» می‌گویند؛ زیرا رفعت و بلند مرتبگی و جایگاه بلندش، موجب برتری او بر دیگران شده. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۵ و ۳۸۴) و یا مانند کوه بسیار بلند، وسیله هدایت مخلوقات الهی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۲/۱۵ و ۳۰۱) راغب می‌گوید: «بعضی علماء معتقدند نبی از نبوه به معنای رفعت است و از این جهت نبی نام گرفته؛ زیرا مقامش از سائر مردم بلندتر است که در قرآن هم به آن اشاره شده: ﴿رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾ (مریم: ۵۷) (و او (ادریس) را به جایگاه و مقام بلندی ارتقاء دادیم) پس نبی بدون همزه (مشتق از نبو) بلیغ تر از نبیء مهموز است؛ زیرا هر حامل خبری رفیع القدر و بلند مرتبه نیست.» (راغب، ۱۴۱۲: ۷۹۰)

نتیجه اینکه ماده «نبو» در اصل به معنای بلندی یا دور بودن یک شیء نسبت به اشیاء دیگر است. این اصل معنایی در همه مشتقات این ماده از جمله کلمه نبی وجود دارد. بنابر این فرض، جوهری می‌نویسد: «نبی بر سائر مخلوقات برتری داده شده و

بر وزن فعیل به معنای مفعول می‌باشد.» (جوهری، ۱۴۱۰: ۶/۲۵۰۰) «نبی» بنابر این احتمال، «رفیع القدر» یا «بلندمرتبه» ترجمه می‌شود.

۵-۲. مفهوم‌شناسی لغوی «رسول» و «نبی»

باتوجه به مباحث لغوی مطرح شده، مفهوم «رسول» و «نبی» به شرح ذیل خواهد بود:

۱) «رسول»: کسی است که حامل، فرستاده، برانگیخته و فرستنده پیام (پیام آور، پیام رسان) از جانب دیگری است. خواه پیامش را از وحی و عالم غیب دریافت کرده باشد یا اینکه پیام رسان انسان‌های عادی باشد. همچنین جنس «رسول» ممکن است بشر یا فرشته باشد.

۲) «نبی»: اگر مشتق از نبأ (خبر) و به معنای اسم فاعل باشد، به معنای مُخبر (خبر دهنده، آگاهاننده، گوینده خبر مهم) و اگر به معنای اسم مفعول باشد، معنای مُخبر (حامل خبر، کسی که به او خبری داده شده) خواهد داشت؛ اما در صورتی که نبی مشتق از «نبو» در نظر گرفته شود، به معنای رفیع القدر و بلند مرتبه است. به هر حال منشأ اشتقاق «نبی» هرچه باشد، این واژه هم بر انسانهای مرتبط با وحی گفته می‌شود هم بر غیر ایشان.

۵-۳. نسبت‌سنجی مفهوم «نبی» و «رسول»

با در نظر گرفتن مباحث لغوی و روایی گذشته درباره مفهوم قرآنی «رسول» و «نبی»، در نسبت‌سنجی میان این دو واژه، باید میان مفهوم لغوی و معنای روایی تفکیک نمود.

۵-۳-۱. مقایسه مفهوم لغوی «نبی» و «رسول»

از آنجا که در مبدأ اشتقاق «نبی» اختلاف نظر وجود داشت، با لحاظ هر دو دیدگاه، به مقایسه مفهوم لغوی «نبی» و «رسول» می‌پردازیم:

۱) نبی (مشتق از نبأ) و رسول

نبی (فَعِيل به معنای اسم فاعل) مُخْبِر (خبر دهنده): هر رسولی نبی است؛ زیرا «رسول» در مرحله نخست، حامل پیام و خبر است (نبی) و سپس باید آن را به دیگری یا دیگران برساند (رسول). حال اگر خبر را در زمان گذشته رسانده باشد یا در حال رساندن خبر (پیام) باشد، در هر صورت او مُخْبِر (خبر دهنده) است و این صفت بر او صدق می‌کند. لذا هم رسول است و هم نبی؛ اما اگر قرار است خبر را در آینده به دیگران برساند، باید گفت گرچه او هنوز خبر را ارسال نکرده؛ ولی از آنجا که شأنیت خبر رسانی را دارد، لذا او «مُخْبِر شَأْنِي» است و از این جهت می‌توان به او صفت مُخْبِر را اطلاق نمود. بنابراین در این فرض نیز، هم رسول است؛ چون وظیفه ارسال خبر (پیام) را در آینده دارد و هم نبی است؛ زیرا مُخْبِر (خبر دهنده) است. از این رو می‌توان گفت واژه رسول به تنهایی متضمّن دو معناست: خبر دهنده (نبی) و فرستنده و واسطه ارسال خبر (پیام)؛ اما هر نبی رسول نیست. یعنی اینگونه نیست که هر مُخْبِر لزوماً مأمور و واسطه‌ای از جانب دیگری برای انتقال خبر به دیگران باشد. به دیگر سخن، ممکن است مُخْبِر، اخبار خود را به دیگران منتقل کند در حالی که کسی او را واسطه و مأمور خبررسانی نکرده است. اگر مُخْبِر در خبررسانی‌اش واسطه و فرستاده دیگری باشد، رسول خواهد بود در غیر این صورت فقط نبی است. پس نبی اعم از رسول و نسبت آن دو عام و خاص مطلق است.

نبی (فَعِيل به معنای اسم مفعول) مُخْبِر (حامل خبر): بنابراین فرض، نبی به معنای کسی است که اخباری را درون خود دارد و دارای خبر است. در این فرض نیز،

رابطه نبی و رسول عام و خاص مطلق و نبی اعم است. یعنی هر رسولی پیش از ابلاغ و ارسال پیامش، قطعاً حامل خبر است؛ زیرا رسول کسی است که ابتدا خبری را به او منتقل می‌کنند و سپس از او خواسته می‌شود آن خبر را به دیگران ارسال نماید، پس چون حامل خبر است به او نبی (مُخْبِر، حامل خبر) گفته می‌شود؛ اما هر حامل پیامی مأموریت ارسال خبر به دیگران را ندارد. پس هر نبی رسول نیست.

۲) نبی رفیع القدر، مشتق از نبو و رسول

رابطه رسول و نبی بنابراین دیدگاه، عموم و خصوص من وجه است. هر رسولی نبی نیست؛ زیرا رسول، یعنی فرستاده‌ای که حامل و مأمور ارسال خبر است چه بلند مرتبه و دارای جایگاه رفیع باشد یا آنکه چنین جایگاهی نداشته باشد. هر نبی هم رسول نیست؛ زیرا نبی یعنی رفیع القدر و صاحب منزلت والا، خواه حامل پیام باشد یا نباشد و اگر هم دارای پیام است، خواه مأمور به ابلاغ و ارسال آن به دیگران باشد یا نباشد. بنابراین، برخی کسانی که رسول‌اند، نبی (رفیع القدر) هم هستند و همچنین برخی کسانی که نبی‌اند، رسول هم هستند.

۵-۳-۲. مقایسه مفهوم روایی «نبی» و «رسول»

در نظریه تفسیری اهل بیت علیهم السلام میان مصادیق «نبی» و «رسول» اختلاف رتبه وجود دارد. «رسول» افضل از «نبی» و جایگاه رسالت والاتر از مقام نبوت است. «نبی» خبر مهم غیبی و وحیانی در قلبش دارد. او فرشته وحی را در عالم «رؤیا» می‌بیند. چنانچه به مرتبه‌ای ارتقاء یابد که فرشته وحی را در بیداری ببیند و با او هم‌سخن گردد و مأموریت یابد پیام وحی را به دیگران ابلاغ نماید، «رسول» خواهد بود. پس ممکن است انسانی که مرتبط با وحی است، معنون به دو عنوان نبوت و

رسالت باشد. نتیجه آنکه در این نظریه، هر رسولی پیشتر نبی است، ولی هر نبی رسول نیست.

۴-۵. بررسی معناشناختی تفسیر «رسول» و «نبی» در روایات اهل بیت علیهم السلام

با توجه به مفهوم لغوی «رسول» و «نبی» می توان نسبت آن را با نظریه تفسیری اهل بیت علیهم السلام این گونه تبیین کرد:

۱. در روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام «رسول» و «نبی» از جنس بشر و مرتبط با فرشته‌ی وحی اند. در حالی که در کاربرد لغوی، معنایی فراگیر دارند و شامل کسانی که از جنس بشر نیستند (از ملائکه‌اند) یا اینکه با جهان غیب و وحی، ارتباط ندارند، نیز می شود. به سخن دیگر، در نظریه تفسیری اهل بیت علیهم السلام «رسول» انسانی است که دریافت کننده، حامل، فرستاده، برانگیخته و فرستنده پیام (پیام آور، پیام رسان) وحی از جانب خداوند است. همچنین «نبی» - اگر مشتق از نبأ (خبر مهم) و به معنای اسم فاعل باشد، - بشری است خبردهنده از وحی الهی، یا حامل اخبار مهم و حیانی است در صورتی که به معنای اسم مفعول باشد و اگر مشتق از نبو (بلندی) باشد، انسانی است که به واسطه ارتباط و حیانی، «رفیع القدر» و «بلندمرتبه» شده است. گرچه دقت در مفاد روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام مبدأ بودن ماده «نبأ» برای واژه «نبی» و معنای «اسم مفعولی» آن را تأیید می کند. به هر حال مفهوم لغوی «رسول» و «نبی» عام و تفسیر روایی آن خاص است.

۲. در نظریه تفسیری اهل بیت علیهم السلام رابطه «رسول» و «نبی» با وحی، از سنخ «تجربه دینی» به معنای مواجهه بدون گفتگو با امر مطلق و متعالی (سروش، ۱۳۹۲: ۳ و ۱۰؛ ۱۳۹۳: ۷) نیست. بلکه «نبی» در عالم رؤیا ضمن گفتگو، اخبار مهم غیبی در ظرف قلبش قرار می گیرد. همچنین «رسول» در بیداری به واسطه فرشته وحی،

پیامهایی را دریافت کرده، مأموریت می‌یابد آنها را به مردم ابلاغ نماید. چنین تفسیری از رسول و نبیّ از پشتوانه معناشناختی برخوردار است. زیرا «رسول» در لغت به معنای فرستاده، برانگیخته و فرستنده پیام یا پیام‌رسان از جانب دیگری است. «نبیّ» هم اگر مشتقّ از «نبا» و به معنای اسم مفعول باشد، کسی است که به او خبری مهمّ داده شده و ظرف وجودش دارای خبر است.

۳. بیان تفاوت «رسول» و «نبیّ» در نظریه تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام مبتنی بر اختلاف درجه و رتبه مصادیق آن دو و تبیین خصوصیات مصادیق مفهوم لغوی این دو واژه است. توضیح مطلب این است که طبق روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام ویژگی «نبیّ» این است که فرشته را در خواب می‌بیند و صدایش را در بیداری می‌شنود؛ ولی او را در بیداری مشاهده نمی‌کند؛ اما ویژگی «رسول» این است که فرشته را در خواب و بیداری می‌بیند و صدایش را می‌شنود. در روایات دیگری نیز به صراحت بیان شده مقام رسول والاتر از نبیّ و جایگاه رسالت بالاتر از نبوت است. در نتیجه نبوت تقدّم رتبی بر رسالت و از جهت شرافت، بعد از جایگاه رسالت قرار دارد. به این معنا که انسانی که از طریق بندگی خداوند متعال، به مقام والای قرب الهی نائل گردیده، ابتدا به مرتبه نبوت و سپس به جایگاه رسالت، - که به همه انبیاء داده نشده است- می‌رسد. پس با توجه به تفاوت نبیّ و رسول از جهت رتبه وجودی و شرافت جایگاه، می‌توان نظریه تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام درباره «رسول» و «نبیّ» را تبیین‌کننده ویژگی‌ها و خصوصیات مصادیق این دو واژه دانست. بدون اینکه ناسازگار با معنای لغوی آن باشد. نبیّ که حامل اخبار غیبی است و شرافت علم به خدا و معارف الهی را دارد و همین امر منزلتش را نسبت به دیگران رفیع ساخته است؛ از آنجا که هنوز به مقام رسالت ارتقاء نیافته، فرشته وحی را در بیداری نمی‌بیند. بلکه او را تنها در عالم رؤیا مشاهده می‌کند؛ اما هنگامی که به مقام و درجه والاتر یعنی رسالت ارتقاء می‌یابد، می‌تواند فرشته وحی را در بیداری هم

ببیند. پس ویژگی نبوت، رؤیا و ویژگی رسالت، دیدن فرشته وحی در بیداری است. در نتیجه در این نظریه تفسیری، هر رسولی نبی است؛ زیرا پیش از رسالت به درجه نبوت نائل گردیده است؛ ولی هر نبیی رسول نیست؛ زیرا ممکن است نبی هنوز به درجه رفیع رسالت نرسیده باشد.

بنابراین نظریه تفسیری اهل بیت علیهم السلام درباره «رسول» و «نبی»، از پشتوانه ادبی و زبان‌شناختی برخوردار است.

نتیجه

«نبی» و «رسول» که از واژگان کلیدی و پربسامد قرآن کریم‌اند، در نظریه تفسیری اهل بیت علیهم السلام اخصّ از معنای لغوی و نسبت میان این دو واژه «عام» و «خاص» است. «رسول» انسانی است که فرشته وحی را که حامل پیامی ویژه از پروردگار برای اوست، می‌بیند، با او سخن می‌گوید و او را مأمور پیام‌رسانی به مردم می‌کند؛ اما «نبی» ملک را در خواب و نه بیداری می‌بیند و اخبار مهم غیبی بر قلبش نازل می‌شود. بدون آنکه مأموریت پیام‌رسانی به دیگران داشته باشد. این تفاوت که از پشتوانه زبان‌شناختی برخوردار است، مبتنی بر وجود اختلاف رتبه و درجه میان ایشان، در عالم واقع است. در نظریه تفسیری عترت، نبوت تقدّم رتبی بر رسالت و از جهت شرافت، بعد از جایگاه رسالت قرار دارد، پس هر رسولی پیشتر نبی است؛ ولی هر نبیی رسول نیست. ثمره تفسیری این نظریه آن است که واژه «نبی» در آیاتی که قرینه‌ای بر مأموریت پیام‌رسانی وی ذکر نشده، متفاوت با «رسول» معنا می‌شود. همچنین بر مبنای نظریه اهل بیت علیهم السلام واژگان «پیغامبر»، «پیغمبر»، «پیامبر» و «پیام‌رسان» ترجمه و معادل «رسول»‌اند و معنای «نبی» آگاه به اخبار غیبی و وحیانی است.

پی نوشت‌ها:

۱. مجاهد بن جبر مکی (۲۱-۱۰۴ق) یکی از مفسران تابعی معروف به بیان تفاوت «نبی» و «رسول» پرداخته است. (سیوطی جلال‌الدین، ۱۴۰۴: ۳۶۶/۴). همچنین زراره (م ۱۵۰ق) فقیه و متکلم شیعی، (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۷۵؛ کشی، ۱۴۰۴ق: ۵۰۷/۲)، برید بن معاویه عجلی (م ۱۵۰ق) فقیه شیعی (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۱۲؛ کشی، ۱۴۰۴ق: ۵۰۷/۲؛ علامه حلّی، ۱۳۸۱ق: ۲۷) و محمد بن علی بن نعمان احوّل معروف به «مؤمن الطاق» (م ۱۶۰ق) از متکلمان به نام شیعه (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۸۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق: ۹۵) که در دوران تابعین و حیات معصومان علیهم السلام می‌زیسته‌اند، تفاوت «رسول» و «نبی» را از امام باقر و صادق علیهم السلام پرسیده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۶/۱ و ۱۷۷؛ صفّار، ۱۴۰۴: ۳۷۰)
۲. زمخشری واژه «رسول» و «نبی» را پیغامبر معنا کرده که بنا بر نظریه تفسیری اهل بیت علیهم السلام، یکسان معنا کردن آن دو، صحیح به نظر نمی‌رسد. (زمخشری محمود بن عمر، ۱۳۸۶: ۴۸ و ۳۱)

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن درید، محمد بن حسن، **جمهره اللغه**، محقق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت، دارالعلم للملایین، چ ۱، بی تا.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل، **المحکم و المحيط الاعظم**، محقق: عبدالحمید هنداوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱، بی تا.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، **التحریر و التنویر**، بی جا، مؤسسه التاریخ، بی تا.
۴. ابن فارس، **معجم مقایس اللغه**، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرّم، **لسان العرب**، بیروت، دارالفکر/دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن شهر آشوب، **معالم العلماء**، نجف اشرف، المطبعه الحیدریه، چ ۱، ۱۳۸۰ق.
۷. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغه**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۱، بی تا.
۸. ایزوتسو، **خدا و انسان در قرآن**، مترجم: احمد آرام، تهران، سهامی انتشار، چ ۹، ۱۳۹۳ش.
۹. آلوسی، **روح المعانی**، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۵ق.

۱۰. بیضاوی عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۱۸ق.
۱۱. ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان*، محقق: ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۴۲۲ق.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)*، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ج ۱، ۱۴۱۰ه.ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق: صفوان عدنان داودی، دمشق/بیروت، الدار الشامیه/ دارالعلم، ج ۱، ۱۴۱۲ه.ق.
۱۴. زرکشی محمد بن عبدالله، *البحر المحیط فی اصول الفقه*، تحقیق: محمد محمد تامر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۲۱ق.
۱۵. زرکشی محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ج ۱، ۱۴۱۰ق.
۱۶. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۳، ۱۴۰۷ق.
۱۷. زمخشری، محمود، *مقدمه الادب*، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۸۶ه.ش.
۱۸. سروش عبدالکریم، *بسط تجربه نبوی*، تهران، صراط، ج ۶، ۱۳۹۲ش.
۱۹. سروش عبدالکریم، *صراطهای مستقیم*، تهران، صراط، ج ۹، ۱۳۹۳ش.
۲۰. سیوطی جلال الدین، *الدر المنثور*، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ج ۱، ۱۴۰۴ق.
۲۱. سیوطی جلال الدین، *المزهر فی علوم اللغة*، مصر، صاحب المکتبه الازهریه، ۱۳۲۵ق.
۲۲. شیخ طوسی، *فهرست کتب الشیعہ*، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ج ۱، ۱۴۲۰ق.
۲۳. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، محقق: محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتب، ج ۱، ۱۴۱۴ه.ق.
۲۴. صافی، محمود بن عبدالرحیم، *الجدول فی اعراب القرآن*، دمشق/بیروت، دارالرشید/مؤسسه الایمان، ج ۴، ۱۴۱۸ه.ق.
۲۵. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله*، مصحح: محسن کوچه باغی، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۲، ۱۴۰۴ه.ق.

۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی، محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۳۷۴ ش.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چ ۳، ۱۳۷۲ ه. ش.
۲۸. عبدالنوّاب رمضان، مباحثی در فقه اللغه و زبان شناسی عربی، ترجمه: حمید رضا شیخی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضی، چ ۱، ۱۳۶۷ ش.
۲۹. عسکری ابوهلال حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغه، بیروت، دار الافاق الجدیده، بی تا.
۳۰. علامه حلّی، خلاصه الاقوال، قم، الشریف الرضی، چ ۲، ۱۴۰۲ ق.
۳۱. فخر رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چ ۳، ۱۴۲۰ ق.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، محقق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، قم، نشر هجرت، چ ۲، ۱۴۱۰ ه. ق.
۳۳. فیض کاشانی، محمد (ملاً) محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، چ ۱، ۱۴۰۶ ه. ق.
۳۴. کشی ابو عمرو محمد بن عمر، الرجال، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چ ۹، ۱۴۹۰ ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، محقق: علی اکبر غفّاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ه. ق.
۳۶. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی-الاصول و الروضه، محقق: ابوالحسن شعرانی، تهران، المکتبه الاسلامیه، چ ۱، ۱۳۸۲ ه. ق.
۳۷. مجلسی محمدباقر، مرآه العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۲، ۱۴۰۴ ق.
۳۸. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی شیری، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۱۴۱۴ ه. ق.
۳۹. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، محقق: علی اکبر غفّاری و محمود محرّمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمی لأئیه الشیخ المفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ه. ق.
۴۰. نجاشی، الرجال، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چ ۶، ۱۳۶۵ ش.